



خاطرات هشت سال دفاع مقدس

نویسنده:

علی محمد قاسم پور (آرانی)

سرشناسه	قاسم پور، علی محمد، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	پیچک نجات: خاطرات هشت سال دفاع مقدس / نویسنده علی محمد قاسم پور (آرانی).
مشخصات نشر	تهران: سنا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۰۸ ص. : مصور (بخشی رنگی).
شابک	978-600-5739-56-5
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	خاطرات هشت سال دفاع مقدس.
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ پ ۹ ق ۲ / DSR ۱۶۲۸
ردیف ملی	۹۵۵ / ۰۸۲۳۰۹۲۲
شماره ثبت کتابشناسی ملی	۳۵۱۰۴۸۴

پیچک نجات

(خاطرات هشت سال دفاع مقدس)

مؤلف: علی محمد قاسم پور (آرانی)

ناشر: انتشارات سنا

(به سفارش مؤلف و گنجینه انقلاب اسلامی، شهداء و شهیدان شهرستان آران و بیدگل)

طراحی جلد و صفحه آرایی متن: ابوذر...

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۳ • شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۳۹-۵۶-۵

■ مرکز پخش ۱: آران و بیدگل، خیابان محمد هلال، صحن اصلی حرم مطهر، گنجینه انقلاب

اسلامی، شهداء و دفاع مقدس تلفن: ۵۴۷۶۳۴۴۰-۰۳۱ - نمابر: ۵۴۷۶۲۰۹۰-۰۳۱

■ مرکز پخش ۲: آران و بیدگل، خیابان زینبیه، نبش حجاب نهم، کتابفروشی بقیع

تلفن: ۵۴۷۳۱۰۷۲-۰۳۱

فهرست عناوین

۱۱	پیشگفتار
۲۳	اجباری
۳۱	بار دبستانی
۴۱	صبح است، صبح است، صبح است
۴۷	پله‌پاسگان هفت رنگ لابلای
۵۵	خرم‌مغول
۶۱	پاطاق
۶۷	شور حسینی
۷۱	صفر کیلومتر
۷۷	سنگر جی
۸۱	مثل اینکه تازه واردی!
۸۵	افتتاح بهداری
۸۹	نیم جرعه
۹۵	شَعَف
۱۰۳	یک لطفه
۱۰۷	چای دلچسب
۱۱۱	هفته‌ای ۹۰ هزار
۱۱۱	سفره رنگین
۱۱۳	دف‌های وجدآور
۱۲۷	بر دامنه شاه‌نشین
۱۳۱	فرشته‌های نجات
۱۴۱	دل لیسه
۱۴۵	شاداب

۱۵۳	خودرو سیاسی
۱۵۷	آتش سنگین
۱۶۱	مسابقه طناب کشی
۱۶۵	تسویه حساب
۱۶۷	آنان را وقف کرده ایم
۱۸۳	قاضی دزفولی
۱۸۹	خوابگاه شاوریه
۱۹۳	مجلس
۱۹۷	ساعت سین: روز ار
۲۰۱	سفر حجاز
۲۰۷	پرواز با اها
۲۱۵	اتاق تزریقات
۲۲۱	کی برایش ختنه کرد؟
۲۲۷	سوغات دیدگانی
۲۴۱	زُجاجةُ عشق
۲۵۷	مدیریت متقین
۲۷۱	کوچه پس کوچه های حلبچه
۲۸۱	نگین حلقه لَجْمَن
۲۹۱	تصاویر و اسناد

پیشگفتار

ملت بزرگوار و تمدن‌ساز ایران در طول تاریخ موجودیت خود، فراز و فرودهای زیادی را به یاد دارد. یکی از این فرازهای سخت و نفس‌گیر، مقطع انقلاب اسلامی است که شیاطین، بسیار سعی کرده‌اند آن را تبدیل به فرودت بکنند.

پس از ۲۲ بهمن ۵۷ با تولد نظام مقدس جمهوری اسلامی که بازوی اجرایی انقلاب اسلامی است، جبهه استکبار با دسیسه‌های گوناگون شیوه‌ای بسیار لجوج و پیش‌گرفت تا این شجره طویه و درخت تناور پاکی و سعادت را از ریشه برکنند. قسری که ملت مظلوم و مستضعف به محصول شیرین آن امید بسته‌اند. درختی که امت اسلام در سایه آن توان حرکت و خیزش گرفته است و در بازگشت به فرهنگ و تربیت خویش، شکوه و عزت و شرف از دست رفته‌اش را آرزو می‌کند.

جبهه شیطان به این نتیجه رسید که کودتای نظامی، دامن زدن به اختلافات قومی، نفوذ چهره‌های نفاق وابسته و مزدور در صفوف انقلاب، جاسوسی‌ها، محاصره اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها و بستن حساب‌های بانک ایران و غیره کوچک‌تر از آن است که حرکت توفنده مردم مسلمان آن را تکت هبری پیامبرگونه امام خمینی (ره) متوقف کند و در مسیر دلخواه و تأمین دفع است. ستمگرانه آمریکا، انگلیس، صهیونیست و غیره فروغلتاند.

لازم به توضیح است که ستاد هماهنگی و حلقه اتصال همه این اقدام علیه ملت ایران در محل لانه جاسوسی آمریکا تحت عنوان سفارتخانه صورت می‌گرفت. این لانه را دانشجویان «پیرو خط امام» تسخیر کرده و زنجیره ارتباطی را از هم گسیختند. از آن پس آمریکا دیگر توان هدایت مزدورانش را در داخل کشور ما نداشت. مرحله‌ای به ظاهر متفاوت از توطئه‌ها را در دستورکار خود قرار داد.

مشاور امنیت ملی آمریکا (برژنسکی) در دولت جیمی کارتر که متخصص در موضوع روابط و سیاست خارجی محرمه بود، با صدام حسین رئیس نظام حاکم بر عراق در مرز اردن دیدار کردند. در آن نشست با دلالتی ملک حسین پادشاه اردن، آمریکا صدام را برای حمله به ایران تشویق کرده و اعلام حمایت همه جانبه نمود. پس از آن تهاجم گسترده و سنگین نظامی علیه مردم مظلوم ایران آغاز شد.

البته با آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای عراقی به دستور صدام شرارت را در مناطق مرزی شروع کردند. صدام با این خوش رقصی‌ها به امریکاشان داد که برای آتش افروزی بهترین گزینه است. اما به صورت علنی و آشکار و نه پنهانی از انقلاب می‌گذشت که بهانه شروع جنگ علیه ایران، قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و آمریکا است. این قرارداد را امضا کردیم، ولی امروز قوی و گفتمان زمانی که این قرارداد را امضا کردیم، ضعیف بودیم، ولی امروز قوی هستیم. این قرارداد که همان نامه ارضی در خصوص تقسیم اروندرود و بقیه اختلافات مرزی بین ایران و عراق بود. این قرارداد در اسفند سال ۵۳ خورشیدی در کشور الجزایر به امضای محمدرضا شاه و خود صدام رسیده بود.

این بخش از تاریخ در ۵۹/۶/۳۱ آغاز و تا ۶۷/۵/۲۷ به مدت هشت سال ادامه یافت. هشت سالی که به درست‌ترین معنی «سال دفاع مقدس» نام گرفت. در این دوران جوانان غیرتمند این ملت، سر از پا نشناختند با اشاره امام خود بدون چون و چرا، عاشقانه در تنور آتش پریدند. گروهی از نخبگان این جمع الهی شمع‌گونه سوختند تا راه سعادت و افتخار را برای نسل‌های فعلی و آینده‌سازان کنند. در صورت معرفی آن شمع‌های پر نور تاریخ به جامعه همچنان روشن‌بخش راه سعادت باقی خواهند ماند.

ارتش حزب بعث عراق بر دیوارهای خرمشهر و شهرهای خوزستان می‌نوشتند: «ما آمده‌ایم که بمانیم». آنان نامهای مناطق را عوض کردند. شهرها را محمره، عبادان، بسیتین، خفاجیه و غیره از استان عربستان نامیدند.

در حالیکه بیش از ۱۰ هزار کیلومتر مربع خاک و چندین شهر و صدها روستای این کشور در تصرف متجاوز بود، و همچنان در تلاش برای تصرف دیگر شهرها بودند، شخصیت‌های میانجی بین‌المللی با چهره‌ای به ظاهر صلح طلبانه به آرامی و لبخند از دو طرف درگیر درخواست می‌کردند، تا خویشتن‌داری خود را حفظ کنند و از اعمال خشونت بپرهیزند.

آمریکان نیز طرح جدایی خوزستان و اعلام کشوری با نظام جمهوری مستقل در آن منطقه داشت و مصرانه پیگیری می‌کرد. البته موضوع جدایی کردستان از سرزمین مادریش ایران اسلامی و طرح ایجاد کشور مستقل در مناطق کردنشین بر اشخاصی که مقدس‌ترین اهل سیاست و خبر هستند، پوشیده نیست. همانطوریکه قبل و بعد از انقلاب میل به برگشتن به ملت ایران هر موقع منافع و اهداف کشورهای بزرگ غربی ایجاب می‌نمود است. و کشوری را که خواستند تجزیه نموده و یا با هم ترکیب کرده‌اند. کسی نمی‌تواند به رغبت خواسته‌های ملت‌ها در بعضی از مناطق جهان مانع اتحادند. پس برای قلمروهای بزرگ جهانی موضوع دشواری نیست. دهها نمونه را می‌توان نام برد.

اما در این سرزمین به دیوار مستحکم و دانه پولادین ولایت فقیه، شهدا، جانبازان، آزادگان و در یک واژه به سد محکم مردم و مسلمان برخورد کردند. مردمی که نمونه عینی «کأنهم بنیان مرصوص» بودند. جوانان این ملت حق دارند و باید بدانند که راهبرد رهنمون از حمله به انقلاب اسلامی چه بود؟ همچنین آرمان و راهبرد رهبر دوران پس از دفاع مقدس چگونه بود؟ اگر برای آیندگان به درستی تبیین شود، گذشته می‌تواند چراغ راه آینده باشد. برای روشن شدن مطلب ضروری است به نقش نیروی داوطلب مردمی اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم.

نیروهای بسیج و سپاه پاسداران و جهاد سازندگی دارای یک ماهیت بودند. یکی داوطلب آزاد و دیگری رسمی، یکی پاره وقت و دیگری تمام وقت، یکی با شیوه رزم و دفاع مستقیم و دیگری با فعالیت عمرانی، سازندگی و مهندسی

رزم برای دفاع از کیان و موجودیت انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی ایران با مال و جان خود جهاد کردند.

اگر بسیج و سپاه و جهاد و در یک کلام «نیروهای داوطلب مردمی» به میدان نمی آمدند، اگر نیروهای مسلح ایران با معیارهای نظامی موجود و رسمی در کتابها و دانشکده های جنگ دفاع می کردند، سیاسیون به اجبار باید با ملاکهای رسمی مورد قبول دشمن مذاکره و تصمیم می گرفتند. در آن صورت ملت ایران هزینه بسیار سنگین تری را نسبت به آنچه برای دفاع مقدس پرداخته است، خرج می کرد. دولت برای تأمین منابع مالی این جنگ فراگیر و طولانی چاره ای نداشت جز آنکه تمام فعالیت های عمرانی، آموزشی، فرهنگی و علمی را تعطیل کند، نتواند برای خرید سلاح و مهمات هزینه نماید.

که می بایست با گرفتن دهها میلیارد دلار وام خارجی هزینه های آنرا تأمین کند و سپس دهها سال زیر بار سنگین پرداخت اقساط آن باشد. واضح است این سبک کمر هر دولتی را خم می کرد. با توجه به حمایت های بی حساب و کتاب کشورهای غربی از منطقه خلیج فارس در تأمین منابع مالی دشمن در این میدان نیز شکست سیاسی گریبان ملت ایران را می گرفت.

اگر مردم با شاخص های «نی» و انقلابی به دفاع نمی پرداختند، اگر جوانان بسیجی و سپاهی و جهادی ما از فرهنگ «ای الهام نمی گرفتند، جنگ در این وسعت با دادن امتیازات فراوان به قدری برای یک غربی، پایانی ذلت بار می داشت. حتی پس از گردن نهادن و پذیرش ذلت بار خواسته های آمریکا و اروپا باز هم ایران به اجبار آتش بس را می پذیرد.

چراکه هیچ شخصیت سیاسی و هیچ کشوری و هیچ «بن المللی» به مسئولان نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد «صلح» نمی داد. آنان همیشه در مذاکرات بر «آتش بس» تأکید می کردند. در تبلیغات و رسانه ها و مصاحبه ها مقابل دوربین ها بحث از آشتی بود. ولی در اسنادی که باید امضا شود، آتش بس نوشته می شد.

زیرا می‌خواستند ایران انقلابی را در بالاتکلیفی و معطل نگه دارند. تا نظام اسلامی نتواند برای پیشرفت امور و سازندگی کشور برنامه‌ریزی کند. دیگر اینکه چند سال بگذرد، انرژی متراکم آزاد شده مردم انقلابی ایران که از دم مسیحایی امام خمینی و انقلاب اسلامی ایجاد شده است، تخلیه شود.

با مطالعه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد آشکار است که با تهای استکباری می‌خواهند آتش‌بس را بر ایران انقلابی تحمیل کنند. در هیچ‌کدام از آنها پیشنهاد برای صلح نیست. یعنی یک حالت برزخی و مردد میان «جنگ و نه صلح» را برای ایران و عراق خواستار بودند.

انسان باید بداند که نمایشنامه‌ای از پیش نوشته شده را مرحله به مرحله در طول زمان به پیش می‌کشند. ببینند که بعدها چه پیش می‌آید و پیامدهای داخلی آنها چه خواهد بود. پس به این طرز از آیه آمده را با فرصت طلبی مدیریت کنند. بنابر این امام خمینی با دور اندیشی بین دفاع و آتش‌بس، دفاع عزتمند را برگزیدند هدف صهیونیسم بین‌المللی این است که آتش‌بس را همیشه به عنوان یک استخوان لای زخم نگه دارند، تا در منطقه خاور میانه (خاورمیانه) هر زمان که خواسته باشند، آن را به نفع اسرائیل غاصب تکان دهند. رنج و درد آن هم نصیب کشورهای اسلامی این منطقه باشد و وضعیت مطلوب دشمن بود که خود جنگی دیگر با ویرانگری بیشتر است. دنیا در فکر می‌کرد، ملت ایران تماشاگر این خیمه شب بازی خواهد شد.

بد نیست که مقداری به ماهیت قطعنامه‌های سازمان ملل و منطقه غرب آسیا اشاره کنیم. فلسطین و لبنان و سوریه و بقیه کشورهای اطراف اسرائیل بیش از ۵۰ سال است که در برابر تجاوزات قطعنامه می‌پذیرند. تاکنون در آنها چه سودی عاید این کشورهای مظلوم در مقابل اسرائیل شده است؟ با پذیرش قطعنامه‌ها در سال ۶۱ خورشیدی اسرائیل تا بیروت مرکز لبنان پیشروی و آن را اشغال کرد. اما زمانی که جوانان غیور و شهادت طلب شیعه لبنانی به مقاومت پرداختند، برای اولین مرتبه در تاریخ موجودیت آن نظام غاصب واژه

عقب‌نشینی و فرار از مناطق اشغال شده مورد بحث کارشناسان دشمن قرار گرفت.

ملت ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تا یک دهه گرفتار بمب‌گذاریها و عملیات پرتاب خمپاره‌ای عوامل گروه شرور مجاهدین خلق در عمق کشورش بود. سالها پس از آن قطعنامه مردم شهرهای تهران، اهواز، ایلام و غیره بارها هدف بمب‌گذاری و حملات خمپاره‌ای این گروه مزدور قرار گرفته و عده‌ای به شهادت رسیدند. از جمله: افسر رشید سپاه اسلام شهید علی صیاد شیرازی بود، که توسط این گروه خائن به شیوه بسیار ناجوانمردانه‌ای ترور شد.

گروهی که در داخل خاک عراق دارای پایگاه بودند و از طرف دولت متجاوز صدام حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شدند. چون که صیاد یکی از دلاور مردان کشور بود که داغ تصرف خوزستان را بر دل کثیف دشمن گذاشت و نگذاشت کشورش به سورهی مستقل عربستان باشد.

ایران بر آن بود که متجاوز باید بدون هیچ قید و شرطی مناطقی را که اشغال کرده است، تخلیه کند و به پشت مرز شناخته شده بین دو کشور بازگردد. پس از آن ملل متجاوز را شناسایی و محکوم نماید. در نتیجه ایستادگی ملت ایران این خواست در قطعنامه ۵۹۸ گنجانده شد که ایران آنرا پذیرفت.

اگرچه ملت ایران در دفاع از تمامیت ارضی کشور و حفظ دست آوردهای انقلابش پیروز شد. چه اینکه از روز نخست که مورد حمله قرار داد، همچنان شعار و راهبرد رهبر انقلاب اسلامی و کلیه اقدامات نهضت رزمندگان اسلام بر مبنای دفاع از انقلاب و کشور بود. اما استکبار جهانی به سادگی دست از آمریکا با پشتیبانی مستقیم و مداخله نظامی مانع تنبیه متجاوز گردیدند. و قوه همجهت کفر برای حمایت از صدام وارد معرکه شدند، با تشخیص درست و حکیمانه امام خمینی تکلیف درگیری مستقیم از دوش ملت ایران برداشته شد.

در یک بیان روشن و شفاف ملت ایران وظیفه داشت که صدام حسین

رئیس نظام حاکم بر عراق را از اریکه قدرت به زیر کشیده و مجازات کند. چرا که او با تجاوز به سرزمین ایران هزاران انسان بی گناه را کشته و شهرها را ویران و غارت کرده بود. او عامل فساد و تباهی در این منطقه اسلامی بود. صدام نمونه بارز و مصداق عینی «... فتنه فی الارض و فساد کبیر» (آیه ۷۳ انفال) بود.

اما وقتی کشورهای متمدن! آزادی خواه! نوع دوست! طرفدار حقوق بشر!! آمدند آمریکا و اروپا آشکارا وارد میدان حمایت از جنایتکار شدند، ملت ایران متوجه شد که با همه آنان را نداشت. به استناد آیه شریفه «لا یکلف الله الا وسعها» که بارها در قرآن کریم تکرار شده است، تنبیه جنگ افروز از عهده ملت ایران خارج شد. دیگر در پیشگاه خداوند و نزد ملت‌های مظلوم مسئولیت نداشت. این رفتار منطقی و عقاید و شیوه‌های امام خمینی مورد قبول هر انسان آزادمرد و منصف که اندکی با قرآن مجید و اصولی دینی و آگاه به مسائل سیاسی باشد، قرار می‌گیرد. امام به خوبی صدام را شناخت. او می‌دانست حاکم مستبد عراق هر زمان احساس قدرت کند، به تجاوز و سرزد و هر وقت نیروهایش بتواند رویارویی با رزمندگان اسلام را ندارد، در خفا دستش بس می‌کند.

امام در یک سخنرانی گفتند: «اگر صدام و مسند قدرت بماند، مجدداً در این منطقه آتش افروزی خواهد کرد. حتی به این شواهد که در حال حاضر به او کمک می‌کنند حمله خواهد کرد.» همانطوریکه همان سال بعد، پس از جنگ با ایران با تهاجم سنگین علیه کشور کویت آنجا را آتشبار نمود و بدین‌گونه زیانهای بسیار سنگین به کشورهای اسلامی بود.

رهبر انقلاب مجموعه تهدیدات بسیار خطرناک را که دشمن علیه انقلاب اسلامی ایجاد کرده بود، با تدابیر پیامبرگونه خویش به فرصتی مناسب تبدیل نمود. در این فرصت روحیه خودباوری و استقامت را به ملت ایران و دیگر ملت‌های مسلمان دمید.

در بعد داخلی موجب پیشرفتهای چشمگیر علمی، صنعتی، نظامی حتی عمرانی به دلیل تکیه بر توانمندی‌های نیروی انسانی بومی شده و در بعد خارجی

باعث بیداری اسلامی در غرب آسیا تا شمال آفریقا و حتی توجه به معنویت و دینداری ملت‌های دیگر جهان شده است. بخصوص جبهه محور مقاومت اسلامی را در برابر تهاجمات اسرائیل به شدت تقویت نمود. تمام اینها پاتک‌های سنگین علیه کل مواضع جبهه کفر به رهبری صهیونیزم بود.

چراکه نظام حاکم بر فلسطین اشغال شده شعار تصرف و تسلط بر سرزمین واقع در بین رودخانه نیل در مصر و رودخانه فرات در عراق را مخفی نمی‌کند. این شعار را به عنوان راهبرد روی پرچم خود با دو خط آبی در بالا و پایین آن و همچنین علامت ستاره داود در وسط آن اعلام نموده است.

نهایت به این واقعیت‌ها امام خمینی رهبر آگاه و بصیر انقلاب اسلامی و ملت بن‌گوار و قهرمان ایران اسلامی بدون تردید بهترین گزینه را که همانا مقاومت و مبارزه با ایل باج‌خواهی‌های دنیای غرب به سرکردگی آمریکا بود، انتخاب کردند و راهی بجز این نبود.

بسیار به موضوع معنویت و اخلاص نیروهای رزمنده داوطلب پرداخته می‌شود. اگرچه این ارزش بسیار صحیح است، اما سود مادی و منافع اقتصادی حاصل از شیوه نبرد و دفع جان‌انان برای این کشور مغفول مانده است. با یک محاسبه سرانگشتی و قابل دفع میتوان آثار اعلام کرد، تمام کشور از برکت و حاصل دسترنج این عزیزان نفع می‌برند. خط یک قلم از آن مبالغی که میتوان در صورت حساب نام برد، تا برای هر فرد عاقل و صنف به راحتی قابل درک باشد، جلوگیری از جدا شدن خوزستان نفت‌خیز و بنادر مهم از ایران بود. با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد این کشور، آیا ضرر و زیان این جدایی حتی از لحاظ اقتصادی قابل محاسبه است؟!

یعنی آن منابع عظیم نفت و گاز را که رزمندگان از دشمن بازمانده گرفته‌اند، تمام اقشار ملت، اعم از بازار، تجارت و صنعت تا دانشگاه و تمام مراکز علمی-آموزشی و همچنین محیط‌های فرهنگی، هنری و ورزشی از آن بهره می‌برند. که نوش جان همه و گوارای وجود تک آنان باد! درصد کمی از آن امکانات را

بازار

که اشاره کردیم، به خانوادهٔ ایثارگران هم پرداخت می‌شود.

بسیار پیش می‌آمد که یک گروه دویست، سیصد نفری شاید بیشتر و یا گاهی کمتر از نیروهای سپاه و بسیج و جهاد با سلاح‌های سبک و امکانات اندک در مقابل یگان‌های بسیار مجهز ارتش متجاوز ایستادگی می‌کرد. با حضور محکم و تدابیر در حرکت‌های رزمی و ایستادگی در یک منطقه باعث می‌شد که وقت و انرژی متراکم یک لشکر زرهی دشمن تخلیه و معطل شود. ولو اینکه بیشتر افراد این گروه و یا حتی تمام آنان شهید و مجروح شوند.

هیچ کس پیش از خود رزمندگان، خطر تیر و ترکش و آتش را نمی‌فهمید و درد و رزش را حس نمی‌کرد. اما چه کسی و چگونه باید یگانهای مجهز و افسار نیخته‌شده را که با هجوم اول می‌توانست یک شهر را اشغال و هزاران نفر را به اسارت برد، متوقف کند؟! این رزمندگان بودند که با مقاومت عاشورایی، آنها را خسته و متوقف کردند و سرعت تاخت و تازشان را می‌گرفتند و توان آنها را فرسوده می‌کردند. نیروهای دمی جای خالی انواع سلاح‌ها و مهمات با هزینه‌های میلیاردی را با از جان‌گذشتگی جبران کردند. تا آنکه گاهی توازن قوا و زمانی برتری نظامی حاصل شود.

این نمونه‌ای آشکار و بارز از شیوهٔ نبرد نامتعارف است. نبردی که اگر در آن دو گروه متخاصم از لحاظ تجهیزات و امکانات بربر نیابند، پیروز جاست که کمبود سلاح و مهمات با تدبیر و شیوهٔ استفاده از نیروهای انسان‌دوستانه و برتری از شرایط طبیعی موجود مطابق زمان و مکان تعریف می‌شود. نیروهای دمی ما در مقابل ضربات کوبنده و مهلک دشمن نقش سندان را در مقابل ضربات سنگین پتک ایفا کردند. این سندان آنقدر مقاومت کرد تا پتک سائیده و دهنهٔ آهنین آن خم شد.

با وجود این رخداد‌های مستند همه مسئولیت داریم که آن همه صداقت و پاکی و ایثار را برای جوانان تشنهٔ آن فرهنگ و عرفان ناب بازگو کنیم. سیره‌ای که نشأت گرفته از فرهنگ عاشورا بود، در بستر بالندهٔ قال الباقریه علیه السلام و

قال الصادق علیه السلام به رشد و تکامل رسید، رفتارهایی که تحت تعالیم و آموزه‌های فرهنگ تشیع به منصه ظهور و بروز رسیده بود. میراث گرانسنگی برای آیندگان است.^۱ اکنون حفظ و انتقال ارزش‌ها و فرهنگ دفاع مقدس می‌تواند حلقه‌ای محکم و پولادین برای اتصال نسل سوم و چهارم انقلاب به طراح و معمار این نهضت مقدس باشد و با پیوند ناگسستنی به فرهنگ و آرمان‌های نسل اول و دوم استمرار یابد.

نسل سوم انقلاب باید بداند که نسل دوم، سیلاب مخرب و بنیان‌کن فتنه را به بالای کوه بازگرداند و به طرف جبهه شیطان به جریان انداخت. در نتیجه این انحراف، توانایی خواهد یافت تا به اتکای پیشینه پرافتخار و مطمئن خویش جای پایش را برای خیزهای بعدی پیشرفت محکم کند و با ابتکار و خلاقیت در مملکتی ایلم، دانش، توسعه و سازندگی، شکوفایی مجدد تمدن اسلامی را شاهد باشد.

این نوشتار شده از شواهدات نگارنده از پاک‌ها و جان‌نثاری‌های فرزندان مظلوم و معنوی است که به صورت گزارش آورده شده است. داستان‌های واقعی و جذاب در ۴۰ قسمت و عنوان جداگانه، اما با ترتیب و پیوستگی زمانی نقل می‌کنیم. به گونه‌ای که هر کدام از آنها می‌تواند داستانی مستقل باشد. انشاءالله بخشی از بدهی خود به شایسته‌ترین اسلام‌داری در پیام‌رسانی به وسیله قلم پرداخته باشیم.

شاید این توضیح برای خوانندگان مفید باشد که برای نگارنده یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های بنده حقیر ثبت این خاطرات بود. زیرا که این را حق شهیدان و بدهکاری خود به انقلاب اسلامی می‌دانستم تا آنکه حلاله از برکت نام و یاد شهیدان فرصت بیشتری عنایت فرمود و این مجرعه را پس

۱ - از ۷۲۰ اسم شهیدان شهرستان آران و بیدگل، ۶۷۰ اسم در دسترس نگارنده بود. با شمارش و تفکیک نام کوچک آنان که نشانه‌ای از عقاید خانواده‌شان است، نتایج زیر به دست آمد:

اسماءالله ۹۴، نام پیامبر گرامی اسلام (محمد، احمد، محمود، مصطفی) ۹۹، نام دیگر پیامبران ۲۳، نام علی (علی، حیدر، مرتضی و...) ۶۴، علی محمد ۲۱، حسن ۲۸، حسین ۷۷، رضا (رضا، محمدرضا، علیرضا) ۵۷، جواد ۲۳، محمدتقی ۱۰، مهدی ۱۴، عباس و ابوالفضل ۷۹، علی‌اکبر ۲۶، علی اصغر ۲۸، جمع این اسامی ذکر شده ۶۴۹ می‌باشد.

از بازنشستگی از عضویت سپاه پاسداران در بهار و تابستان ۸۵ به رشته تحریر درآوردم. البته به دلیل اینکه در بهار ۸۳ نیز کتاب مرواریدهای مهجور در موضوع تعلیم و تربیت که حاوی ۱۱۴ نکته به استناد داستانهای قرآن کریم است را نوشته و منتشر کرده بودم، این مجموعه مقداری راحت تر به نظر می رسید که در این فرصت ترغیب به انجامش شدم. در سال ۸۵ این مجموعه را نوشتم. به چند ماه دیگر به آن پرداخته و روی آن تمرکز می کردم تا به سرانجام برسد. با ابرار دوستان و خیرخواهان برای عضویت در شورای اسلامی شهر آران و ماکو ثبت نام کردم و در انتخابات آذر ماه سال ۸۵ به عضویت دوره سوم شورای اسلامی شهر برگزیده شدم. مسئولیت در این جایگاه خطیر خدمت تا شهریور سال ۸۲ سه سال ریاست شورا و یک سال نایب رئیس بودن ادامه یافت. در زمان عضویت شورا به دلیل حجم بالای کار در امور شهر و شهرداری هیچگاه فرصت برای استراحت و تفریح و دور کردن خاطرات حاصل نشد. تا اینکه با لطف خداوند در بهار ۹۳ تحریرات من را به اتمام رسید.

رهبر نیک اندیش انقلاب اسلام حضرت آیت الله خامنه ای امسال را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهاد نامگذاری کرده اند. امیدواریم این اقدام گامی اگرچه کوچک در عرصه فرهنگ در جهت تحقق آن خواسته دینی، انقلابی، ملی، عقلانی و منطقی باشد.

در این فرصت از همکاری پاسدار رحمتا... صفرا... و پاسدار عباس حیدری مقدم در تهیه و همکاری پاسدار اکبر مسجدی در انتشار این نوشتار تشکر می کنم. همچنین از حروف نگاری و دوباره خوانی آقای حمزه... و نیز از صبر و حوصله و همکاری خانواده ام قدردانی می نمایم. لازم است از مسئولین محترم گنجینه انقلاب اسلامی، شهدا و دفاع مقدس شهرستان آران و ماکو و بیدگل برای پرداخت نیمی از هزینه انتشار این کتاب سپاسگزاری کنم.